

مؤلفه‌های رویکرد انتقادی افلاطون نسبت به شعر و شاعران

میثم دادخواه^۱
علی نقی باقرشاهی^۲

چکیده

افلاطون در محاوره جمهوری پس از بخشهایی که به تقبیح شعر و شاعران آنتی میپردازد، در کتاب دهم از همین محاوره به اخراج آنان از اتویای خویش حکم میدهد، اما در عین حال، آثار خود او سرشار از مفاهیم شاعرانه بوده و همچنین آنجا که از شاعران صحبت میکند کلامش سرشار از احترام و تردید است. از اینرو در این نوشتار بدنبال آن هستیم تا بیابیم در پس این سرشت پارادوکسیکال چه حقیقتی نهفته است و چگونه میتوان تبیینی از این رویکرد افلاطون نسبت به شاعران ارائه داد و اساساً آیا آنچه مورد نکوهش افلاطون است کاربرد شاعران آنتی از شعر است یا ذات خود شعر مورد انتقاد اوست و یا اینکه باید پاسخ را در جای دیگری جستجو کرد و مشکل را در مخاطبان شعر دید؟ در نظر نگارندگان نوشتار حاضر، اگر بپذیریم یکی از مؤلفه‌های مهم سنت شعری در آتن، قائل شدن وجهی از معرفت برای شعری است که روح غالب آن سنت اساطیری باقی مانده از پیشینیان و تعالیم سوفسطائیان است و همچنین در نظر بگیریم که فراتر از مباحث هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه، اساساً مسئله اول افلاطون سیاست و استقرار یک نظام سیاسی بسامان است، به این نتیجه خواهیم رسید که در این

۱۰۱

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (نویسنده مسئول)؛ meysam.dadkhan@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی abaqersahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۴ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۲۰



اتوپیا، سنت شعری آتن با خصوصیتی که دارد با آرمان سیاسی افلاطون قابل جمع نیست؛ چرا که اگر پایدیا یا نظام تعلیم و تربیت را برای استقرار اتوپیا ضروری بدانیم، حال اگر این پایدیا بخواهد دیوارهای خود را بر بنیان اسطوره و تعالیم سوفسطائی بمتابۀ منبع معرفتی بنا کند، تکلیف این آرمانشهر از ابتدا مشخص است. همچنین از وجه معرفت‌شناسی فلسفۀ افلاطون نیز میتوان به این مسئله نزدیک شد و از تمایز میان زیبایی‌شناسانه آنطور که امروزه ما از آن صحبت میکنیم و در آثار هنری متجلی است، با زیبایی مثالی مد نظر افلاطون که همان حقیقت است، سخن گفت. در نظر افلاطون زیبایی زیبایی‌شناختی ذیل زیبایی مثالی است و از اینرو مقصود وی از واژه «زیبا» فقط شامل ارزشهایی که امروزه آنها را زیبایی‌شناسی مینامیم نیست، بلکه ارزشهای اخلاقی و معرفتی را هم دربرمیگیرد و ذیل این موضوع زیبایی عام و خاص باید بحث اخراج شاعران از اتوپیا را بازخوانی نمود.

کلیدواژه‌ها: افلاطون، شعر، شاعران، اتوپیا، پایدیا، زیبایی

* * *

مقدمه

برای کسانی که دل در گرو حکمت و فرزاندگی دارند، وقتی میخوانند و میشوند که افلاطون، این بانی و پدر فلسفه، آرمانشهری در فلسفه خویش ترسیم میکند که در آنجا جایی برای شاعران نیست، این سؤال برایشان مطرح میشود که چرا افلاطون، هومر^۱ حماسه‌سرا و دیگر نمایشنامه‌نویسان بزرگ آتنی از هسیود^۲ گرفته تا آگاتن^۳ تراژدی‌نویس و آریستوفانوس^۴، شاعر کمدی‌نویس را از مدینه آرمانی خود اخراج میکند؟! او ابتدا در کتاب دوم و سوم از محاورۀ جمهوری به تقییح شاعران میپردازد، اما به این نقدها و سرزنشها اکتفا نکرده و در کتاب دهم حکم به اخراج آنان از مدینه میدهد. مسئله آنجا جدیتر میشود که در تاریخ آمده، افلاطون در

1. Homer
2. Hesiod
3. Agathon
4. Aristophanes